

۷۰- با توجه به عبارت «ترك نسبة الربح والوضيعة الى رأس المال، کدام مثال صحیح است؟

(سراسری ۸۰)

- (۱) سود و زیان کالای صد تومانی ده تومان است.
- (۲) کالا را فروختم به صد ریال و ده ریال ضرر باشد.
- (۳) کالا را فروختم به صد ریال و نقصان صد ریال، ده ریال باشد.
- (۴) متاع را به شما فروختم صد تومان و منفعت صد تومان ده ریال است.

بیع الثمار

۷۱- مقصود از «فیکون در که علیه» چیست؟

(کتری ۱۴۰۰ - فصولی)

«يجوز بيع الحُضَر بعد انعقادها لقطعة ولقطات معينة. ولو امترجت الثانية تخیر المشتري بين الفسخ و الشركة. ولو اختار الإمضاء فهل للبائع الفسخ، لعيب الشركة نظر، أقربه ذلك إذا لم يكن تأخر القطع بسببه و حينئذ لو كان الاختلاط بتفريط المشتري مع تمكين البائع وقبض المشتري، أمكن عدم الخيار للمشتري، لأن التعيب جاء من قبله فيكون در که علیه».

- (۱) مستحق للغیر در آمدن یا تلف مبیع بعد از قبض
- (۲) ضمان معیوب شدن و تحمل ضرر شرکت
- (۳) مستحق للغیر در آمدن مبیع
- (۴) تلف مبیع بعد از قبض

بیع الصرف

۷۲- «بیع الاثمان بمثلها» تعریف کدام مورد است؟

(آزاد ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۹ فصولی گروه ج، ۹۴)

- (۱) بیع الصرف
- (۲) بیع السلم
- (۳) بیع السلف
- (۴) بیع المعاطاة

۷۳- عبارت «و هو بیع الاثمان بمثلها و یشرط فیہ التقابض» ناظر به کدام معامله است؟

(آزاد ۸۹ - فصولی گروه ب)

- (۱) بیع صرف
- (۲) بیع کلی
- (۳) بیع متقابل
- (۴) بیع کالی به کالی

(سراسری ۸۰)

۷۴- «پیرامون صرف» و حکم آن کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) هو بیع مضمون فی الذمة، و لا يجوز اخذ الارش منها
- (۲) هو بیع مضمون فی الذمة، مضبوط و مقبوض فی المجلس
- (۳) هو بیع الاثمان بمثلها و يجوز اخذ الارش منها
- (۴) هو بیع الاثمان بمثلها و یشرط فیہ التقابض فی المجلس

(دکتری ۹۶ - فقهی)

۷۵. کدام مورد، مثال مناسبی برای عبارت زیر است؟

«فی الصرف و بشرط فيه التقابض فی المجلس... او رضاه بما فی ذمته قبضاً بوكالته فی القبض لما فی ذمته و ذلك فيما اذا اشتری بما فی ذمته نقداً آخر».

(۱) شخص «الف» از شخص «ب» یک دینار طلب دارد و علاوه بر آن از شخص «ب» ده درهم نیز خریداری می‌کند و شخص «الف» می‌پذیرد که هم یک دینار و هم ده درهم بر ذمه شخص «ب» باشد و این به منزله قبض است.

(۲) شخص «الف» از شخص «ب» ده درهم را به یک دینار خریداری می‌کند و به او وکالت می‌دهد که آن ده درهم در ذمه او باشد و شخص «ب» هم متقابلاً به شخص «الف» وکالت می‌دهد که آن یک دینار در ذمه او باشد.

(۳) شخص «الف» از شخص «ب» یک دینار طلب دارد و شخص «الف» با آن یک دینار، ده درهم از شخص «ب» خریداری می‌کند و شخص «ب» را وکیل در قبض آن ده درهم می‌کند.

(۴) شخص «الف» با شخص «ب» بیع صرف انجام می‌دهد اما فقط یک طرف عوض را قبض می‌کند و طرف دیگر می‌پذیرد که عوض در ذمه طرف مقابل باشد، و این به منزله تقابض است.

۷۶. مقصود از عبارت «بوكالته إياه» در متن زیر چیست؟

(سراسری ۹۸)

يشترط فی بیع الصرف التقابض فی المجلس أو رضی الدائن، الذی هو المشتري، بما فی ذمة المديون، الذی هو البائع، قبضاً (أی مقبوضاً) بوكالته إياه فی القبض.

(۱) مديون به دائن وکالت دهد.

(۲) دائن به مديون وکالت دهد.

(۳) فروشنده به خریدار وکالت دهد.

(۴) فروشنده به مديون وکالت دهد.

۷۷. کدام گزینه مثال مناسب برای مسئله ذیل است؟

(دکتری ۱۴۰۰ - فقهی)

يشترط فی بیع الصرف التقابض فی المجلس أو رضی الغريم بما فی ذمة المديون قبضاً بوكالته إياه فی القبض. و ذلك فيما اذا اشتری من له فی ذمته نقد بما فی ذمته من النقد نقداً آخر. مثاله: أن يكون لزيد

(۱) طلبکار با دیناری که طلب دارد ده درهم کلی از بدهکار بخرد.

(۲) بدهکار با دیناری که بدهکار است، ده درهم معین به طلبکار بفروشد.

(۳) طلبکار با دیناری که طلب دارد ده درهم معین یا کلی از بدهکار بخرد.

(۴) بدهکار با دیناری که بدهکار است، ده درهم از شخص ثالث برای طلبکار بخرد.

(۱) خصوص مثنی است.

(۲) خصوص ثمن است.

(۳) ثمن و مثنی به عنوان لزوم بیع

(۴) ثمن و مثنی به عنوان صحت بیع

۷۹- هرگاه در بیع صرف قبل از تفرق مقداری از مورد معامله قبض گردد:

(دکتری ۹۳- فصولی)

(۱) بیع صحیح است و لیکن فقط کسی حق فسخ دارد که تأخیر در قبض ناشی از کوتاهی او نباشد.

(۲) بیع فقط نسبت به مقدار مقبوض صحیح است و هیچ یک حق فسخ ندارند.

(۳) بیع باطل است و لذا مقدار مقبوض باید مسترد گردد.

(۴) بیع نسبت به مقدار مقبوض صحیح و نسبت به غیر مقبوض باطل است و لیکن هر دو حق فسخ دارند.

۸۰- اگر در بیع صرف مقداری از ثمن فی المجلس قبض نشود متعاقدين دارای کدام حق خیار

(دکتری ۹۳- عمومی)

می شوند؟

(۱) خیار شرکت

(۲) خیار اشتراط

(۳) خیار تدلیس

(۴) خیار تبعض صفقه

۸۱- در بیع صرف، بنا بر اینکه دو نفر از سوی مالکین، وکیل در صرف یا وکیل در قبض باشند، معتبر

(دکتری ۹۴- فصولی)

در تقابض چیست؟

(۱) التقابض قبل تفرق الوکیلین، سواء كانا وکیلاً فی القبض ام فی الصرف

(۲) التقابض قبل تفرق المتعاقدين، سواء كان الوکیلان وکیلاً فی القبض ام فی الصرف

(۳) التقابض قبل تفرق المتعاقدين، ان كان الوکیلان وکیلاً فی القبض و الوکیلین ان كانا وکیلین فی الصرف

(۴) التقابض قبل تفرق الوکیلین ان كان الوکیلان وکیلاً فی القبض و المتعاقدين ان كان الوکیلان

وکیلاً فی الصرف

۸۲- چنانچه در بیع صرف، عقد به وکالت از مالکین انشا شود کدام گزینه ضابطه برای اعتبار تقابض

(دکتری ۹۱- فصولی)

است؟

(۱) التقابض قبل تفرق المالکین سواء كان الوکیلان وکیلین فی القبض ام لا

(۲) التقابض قبل تفرق الوکیلین ان كانا وکیلین فی القبض ایضاً

(۳) التقابض قبل تفرق المالکین ان لم یکن الوکیلان وکیلین فی القبض

(۴) التقابض قبل تفرق الوکیلین سواء كانا مع ذلك وکیلین فی القبض ام لا

۸۳- «فروختن مال مضمون در ذمه و مضبوط، به مال معلوم و مقبوض در مجلس معامله» چه نوع بیعی است؟

(آزاد ۹۰- جزا اگر چه به)

(۴) بیع سلف (سلم)

(دکتری ۹۴- عمومی)

(۳) بیع دین به دین

(۲) بیع نقد

(۱) بیع نسیه

۸۴- عبارت زیر، تعریف کدام نوع بیع است؟

«هو بیع مضمون فی الذمه، مضبوط بمال معلوم، مقبوض فی المجلس الی اجل معلوم»

(۴) الصرف

(۳) الدین بالدين

(۲) الکالی بالکالی

(۱) السلم

(دکتری ۹۹- فقهی)

۸۵- از عبارت زیر بطلان بیع سلف در کدام مورد استفاده می شود؟

«یشترط فی بیع السلف ذکر الجنس و الوصف الرفع للجهالة الذی یختلف لأجله الثمن اختلافاً ظاهراً

ولا یبلغ فی الغایة فإن بلغها و أفصى إلى عزة الوجود بطل، و إلا صح»

(۱) اگر در ذکر جنس و وصف مبیع آن قدر مبالغه شود که به اختلاف متبایعین در ثمن منجر شود.

(۲) اگر در توصیف مبیع آن قدر مبالغه شود که به اختلاف متبایعین در ثمن منجر شود.

(۳) اگر در ذکر جنس و وصف مبیع آن قدر مبالغه شود که به مبیع کمیاب منتهی شود.

(۴) اگر در توصیف مبیع آن قدر مبالغه شود که به مبیع کمیاب منتهی شود.

(آزاد ۹۳)

۸۶- با توجه به مباحث بیع، اگر ۱۰ تن گندم از یک سیلوی غیر معلوم فروخته شود:

(۱) بیع باطل است، چون معلوم نیست از کدام سیلو بوده است.

(۲) بیع باطل است، چون معلوم نیست مالک سیلو چه کسی است.

(۳) بیع صحیح است، چون مبیع عین معین است.

(۴) بیع صحیح است، چون مبیع معلوم است.

(دکتری ۹۴- فقهی)

۸۷- در خصوص بیع سلف، کدام مورد صحیح است؟

(۱) اشتراط الاجود و الارداً جایز

(۲) لو شرط تأجیل بعض الثمن بطل فی الجميع

(۳) لو انقطع المسلم فیہ عند الحلول انفسخ البیع

(۴) یجوز بیع المسلم فیہ بعد حلوله و قبل قبضه علی الغریم دون غیره

۸۸ طبق نظر مصنف در متن زیر، فروش گوشت و پوست حیوان با بیع سلف، چه حکمی دارد؟
«کلّ ما لا يضبط وصفه يمتنع السلم فيه، كاللحم و كذا الجلود لتعدّ ضبطها و بالوزن لا يفيد الوصف
المعتبر، لأنّ أهمّ أوصافها السمك و لا يحصل به.»
(سراسری ۱۳۰۲)

(۱) فقط در مورد ماهی، جایز است.

(۲) جایز است، چرا که می توان با مشاهده، رفع جهل کرد.

(۳) جایز است، چرا که می توان با وزن کردن، رفع جهل کرد.

(۴) جایز نیست، چرا که نمی توان با توصیف، از آن رفع ابهام کرد.

۸۹ در عبارت زیر، مرجع ضمیر در کلمات مشخص شده، کدام است؟
(دکتری ۹۴ - فصولی)

«لا بدّ فی السلف من قبض الثمن قبل التفرّق او المحاسبه به من دین علیه»

(۱) مُسَلِّمٌ فيه، مُسَلِّمٌ (۲) مُسَلِّمٌ فيه، مُسَلِّمٌ (۳) ثمن، مُسَلِّمٌ (۴) ثمن، مُسَلِّمٌ

۹۰ مرجع ضمیر در کلماتی که در جمله زیر مشخص شده اند، به ترتیب کدام است؟

«فی السلف لا بدّ من قبض الثمن قبل التفرّق او المحاسبه به من دین علیه.»
(دکتری ۹۴ - بین الملل)

(۱) ثمن، مسلّم (۲) ثمن، مسلّم الیه

(۳) مسلّم فيه، مسلّم الیه (۴) مسلّم فيه، مسلّم

۹۱ اگر در عقد سلف، ثمن به قبض داده نشود و تنها قبض شرط شود:

(۱) عقد صحیح است.

(۲) عقد باطل است زیرا قبض یکی از شروط صحت است.

(۳) عقد باطل است زیرا بیع دین به دین است.

(۴) عقد صحیح است و تنها طرف مقابل به علت خیار تأخیر ثمن حق فسخ معامله را دارد.

۹۲ با توجه به فرض مسئله در متن زیر، کدام مورد صحیح است؟
(دکتری ۱۴۰۰ - فصولی)

«[لا بدّ فی بیع السلم من] تقدیر المسلم فيه بالکیل أو الوزن المعلومین فی ما یکال أو یوزن و فی ما لا

يضبط إلا به، و إن جاز بیعه جزافا كالخطب و الحجارة، لأنّ المشاهدة ترفع الغرر، بخلاف الدین.»

(۱) مقدار مبیع در بیع سلم و غیرسلم می تواند با مشاهده تعیین شود.

(۲) مقدار مبیع در بیع سلم فقط باید با پیمانه یا وزن کردن تعیین شود.

(۳) مقدار مبیع در بیع سلف و غیرسلف می تواند با پیمانه یا وزن کردن یا مشاهده تعیین شود.

(۴) مشاهده مبیع اگر در سایر اقسام بیع بتواند معیار تعیین قیمت باشد، در بیع سلف هم می تواند.

۹۳- و لابد من كون المسلم فيه عام الوجود عند

(۳) انشاء العقد.

(۲) رأس الاجل.

(۱) قبض الثمن.

(سراسری ۸۱)

(۴) افتراق المتبايعين.

۹۴- عبارت «و لو شرط تأجيل بعض الثمن بطل في الجميع» حکم کدام نوع بیع را بیان می کند و دلیل

(سراسری ۱۲۶)

آن چیست؟

(۱) سلف، زیرا شرط مذکور موجب دین به دین شدن معامله است.

(۲) سلم، زیرا مثنی در آن حالی و ثمن مؤجل است.

(۳) صرف، زیرا شرط مذکور مستلزم جهل به عوضین است.

(۴) صرف، زیرا قبض مثنی در مجلس عقد ضروری است.

۹۵- دلیل عبارت «و لو شرط تأجيل بعض الثمن بطل في الجميع» چیست؟

(۱) چون قبض مثنی در مجلس عقد ضروری است.

(۲) چون این شرط مستلزم جهل به عوضین می شود.

(۳) چون مثنی در آن حال و ثمن مؤجل است

(۴) چون این شرط موجب دین به دین شدن عقد می شود.

۹۶- در عبارت «في السلف يجوز بيعه بعد حلوله و قبل قبضه على الغريم و غيره»، به ترتیب، مرجع ضمیر در «بیعه»، «حلوله» و «قبضه» کدام است؟ مراد از «غريم» چه کسی است؟

(دکتری ۹۷- فقهوی)

(۱) مسلمّ فيه، سلف و مسلمّ - مسلمّ اليه (۲) مسلمّ فيه، اجل و مسلمّ فيه - مسلمّ اليه

(۳) سلف، اجل و مسلمّ فيه - دائن (۴) سلف، سلف و مسلمّ فيه - مديون

۹۷- با توجه به عبارت «و في السلم يجوز البيع بعد حوله على الغريم» کدام مورد صحیح است؟

(سراسری ۷۵)

(۱) در سلف جایز است قبل از موعد آن را به فروشنده فروخت.

(۲) در سلف جایز است پس از موعد آن را به خریدار فروخت.

(۳) در سلم جایز است پس از موعد آن را به خریدار فروخت.

(۴) در سلم جایز است پس از موعد آن را به فروشنده فروخت.

۹۸- يجوز بيع الدين بعد حلوله و قبل قبضه

(سراسری ۷۷)

(۱) علی المسلم فيه (۲) علی الدائن

(۴) علی المسلم

(۳) علی الغريم

۹۹- بيع مسلم فيه چه حکمی دارد؟

(دکتری آزاد ۹۲- فقهوی)

(۱) مطلقاً صحیح و نافذ است.

(۲) مطلقاً باطل است.

(۳) بعد الحول و قبل القبض صحیح است.

(۴) بعد الحول و قبل القبض باطل و بعد القبض صحیح است.

۱۰۰- کدام مورد در بیان مفهوم جمله رویه رو صحیح است؟ «و إذا دفع المسلم إليه فوق الصفة وجب القبول».

(سراسری ۹۷)

۱) در صورتی که خریدار در بیع سلف، ثمنی با وصف بهتر به فروشنده پرداخت کند، پذیرش آن بر فروشنده واجب است.

۲) در صورتی که فروشنده مسلمان، کالای بهتری را به خریدار کافر تسلیم کند، قبول آن بر وی واجب است.

۳) در صورتی که فروشنده در بیع سلف، کالایی با وصف بهتر تسلیم کند، پذیرش آن بر خریدار واجب است.

۴) در صورتی که فروشنده کافر، کالای بهتری را به شخص مسلمان تسلیم کند، قبول آن بر وی واجب است.

۱۰۱- در عبارت «و إذا دفع المسلم إليه فوق الصفة و دونها لا يجب قبوله و لو رضى المسلم به لزم»

مراد از مسلم الیه و مسلم ... به ترتیب کدام است؟ (سراسری ۸۰)

۱) مشتری - کالا ۲) مشتری - بایع

۳) بایع - مشتری ۴) بایع - کالا

۱۰۲- در عبارت زیر، مرجع ضمیر در «دفع»، «رضی»، «انقطع» و «تخیر»، به ترتیب کدام است؟

(دکتری ۹۶- فصوصی)

«فی السلف اذا دفع فوق الصفة وجب القبول و دونها لا يجب و لو رضى به لزم و لو انقطع عند الحلول تخیر بین الفسخ و الصبر».

۱) المسلم فيه، المسلم، المسلم فيه، المسلم

۲) المسلم، المسلم الیه، المسلم فيه، المسلم الیه

۳) المسلم فيه، المسلم الیه، المسلم فيه، المسلم الیه

۴) المسلم الیه، المسلم، المسلم فيه، المسلم

۱۰۳- ما هو الصحيح فيما لو انقطع المسلم فيه عند الحلول؟ (دکتری ۹۶- فصوصی)

۱) تخیر المسلم بین الفسخ فیأخذ الثمن و الصبر. ۲) تخیر المسلم بین الفسخ و الصبر و اخذ القيمة.

۳) ینفسخ البیع. ۴) یبطل البیع.

(سراسری ۸۲)

۱۰۴- بیع مساومه همان بیع تولیه است یا غیر آن؟

- (۱) هر دو به یک معنی است.
- (۲) در مساومه شیء به کمتر از رأس المال فروخته شده و در تولیه به بیشتر
- (۳) در بیع مساومه به رأس المال خبر داده شده و در تولیه به رأس المال خبر داده نشده
- (۴) بیع مساومه بیعی است که در آن از رأس المال ذکرى به عمل نیامده ولى بیع تولیه فروش چیزی است با اخبار به رأس المال به همان قیمت خرید

۱۰۵- در کدام یک از بیع های ذیل، اخبار از ثمن لازم نیست؟

(آزاد ۱۹، ۹۰- فصوصی / گروه الف)

- (۱) بیع مساومه
- (۲) بیع مرابحه
- (۳) بیع مواضعه
- (۴) بیع التولیه

۱۰۶- در صورتی که در هنگام معامله فروشنده اعلام نکند میباید را با چه قیمتی خریده است آن را چه بیعی می نامند؟

(آزاد ۱۹ - فصوصی / گروه ج)

- (۱) مرابحه
- (۲) مساومه
- (۳) مواضعه
- (۴) تولیه

۱۰۷- نسبت به موضوع آگاهی دادن مشتری از سود معامله توسط بایع، کدام عقد از نظر فقهی بهترین عقود است؟

(آزاد ۹۰- جز ۱ / گروه ج)

- (۱) مرابحه
- (۲) تولیه
- (۳) مواضعه
- (۴) مساومه

۱۰۸- با توجه به متن زیر، اگر معلوم شود که فروشنده در بیع مرابحه حقیقت را نگفته است، خریدار چه حقی دارد؟

(دکتری ۱۴۰۱ - فصوصی)

«يجب على البائع [فى المراجعة] الصدق. و لو ظهر كذبه أو غلظه تخيّر المشتري بين ردّه وأخذه بالثمن الذى وقع عليه العقد، لغروره. وقيل له أخذه بحطّ الزيادة و ربحها. و هل يشترط فى ثبوت خيار المشتري على الأول بقاءه على ملكه؟ وجهان، أجودهما العدم. فمع التلف يردّ مثله، أو قيمته إن اختار الفسخ.»

- (۱) خریدار می تواند عقد را فسخ یا مقدار زیادی و سود آن را مطالبه کند.
- (۲) خریدار حق فسخ دارد منوط به اینکه میباید و ثمن باقی باشند.
- (۳) خریدار می تواند مقدار زیادی و سود آن را مطالبه کند.
- (۴) خریدار حق فسخ دارد هر چند که میباید تلف شده باشد.

۱۰۹- لو قال: «بعتك بما اشتريته و ربح كذا» و ظهر كذبه، (سراسری ۹۴)

(۱) بطل البيع

(۲) تخير بين الفسخ و الإمضاء بالثمن

(۳) تخير بين الإمضاء بالثمن و الأخذ بالزيادة

(۴) تخير بين الفسخ و الإمضاء بالثمن أو الأخذ بالزيادة

۱۱۰- عبارت روبه‌رو، تعریف کدام یک از انواع بیع است؟ «... و هی الإعطاء برأس المال»

(سراسری ۹۷، آزاد ۹۴)

(۱) المواضعة

(۲) التولية

(۳) المراجعة

(۴) المساومة

۱۱۱- عبارت: «بيع الجزء المشاع برأس المال» تعریف کدام گزینه است؟

(دکتری ۹۱- فصولی، دکتری ۹۴- عمومی)

(۱) التولية

(۲) التشريك

(۳) المساومة

(۴) المواضعة

الربا

۱۱۲- حرمت و بطلان بیع ربوی در همه اجناس جریان دارد، یا در خصوص مکیل و موزون، و یا معدود را هم شامل می‌شود؟

(سراسری ۸۴)

(۱) معدود را هم شامل می‌شود.

(۲) در همه اجناس جریان دارد.

(۳) به مکیل و موزون اختصاص دارد.

(۴) تنها به اموال قیمی اختصاص دارد.

۱۱۳- حکم معامله ربوی چیست؟

(دکتری آزاد ۹۲- فصولی)

(۱) حرام و مطلقاً باطل است

(۲) حرام و مطلقاً صحیح است

(۳) حرام و صحت معامله منوط به تراضی است. (۴) حرام و فقط در قسمت زیاده باطل است.

۱۱۴- حکم ربا به موجب کدام گزینه محقق می‌شود؟

(دکتری آزاد ۹۲- جزا)

(۱) القسمة اذا اشتملت على الرد

(۲) الحنطة بالشعير

(۳) في المعدود و ان لم يكن قرضاً

(۴) القسمة مطلقاً سواء اشتملت على الرد ام لا

۱۱۵- «لا ربا بين الوالد و ولده» یعنی چه؟

(سراسری ۸۲)

(۱) پدر و فرزند نباید به یکدیگر ربا دهند یا از یکدیگر ربا گیرند.

(۲) بین پدر و فرزند ربا نیست، تنها فرزند می‌تواند از پدر زیاده بخواند.

(۳) بین پدر و فرزند ربا نیست، تنها پدر می‌تواند در مقابل آنچه به فرزند پرداخته بیشتر بخواند.

(۴) بین پدر و فرزند ربا نیست، هر کدام می‌توانند در مقابل آنچه به دیگری پرداخته‌اند بیشتر بخوانند.

(دکتری ۹۱- عمومی)

۱۱۶- در کدام مورد، ربای محرم راه دارد؟

(۲) بین الوالد و ولده

(۱) فی المعدود

(۴) بین الزوج و زوجته

(۳) بین المسلم و الحربی إذا أخذ الکافر الفضل

(دکتری ۹۴- عمومی)

۱۱۷- در کدام مورد، ربا ثابت است؟

(۲) فی المعدود

(۱) بین المسلم و الذمی

(۴) بین الزوج و الزوجة

(۳) فی القسمة

(سراسری ۷۴)

۱۱۸- با توجه به عبارت «ولا یثبت الربا فی القسمة» کدام گزینه درست است؟

(۱) رباء قرضی اشکالی ندارد.

(۲) ربا در معدودات حرام است.

(۳) ربا در مکمل و موزون اشکالی ندارد.

(۴) تقسیم مال مشترک بیع نیست تا ربا در آن جاری شود.

الخيارات

(آزاد ۷۸)

۱۱۹- «هو (ای هذا الخيار) مختص بالبيع ولا يزول بالحائل»:

(۲) خيار التأخير عن ثلاثة أيام

(۱) خيار الحيوان

(۴) جميع ما ذكر

(۳) خيار المجلس

(سراسری ۹۱)

۱۲۰- کدام مورد، مسقط خيار مجلس است؟

(۱) مفارقة كل واحد من المتبايعين المجلس مصطحبين لو تقاربا عنه حالة العقد

(۲) مجرد مفارقة كل واحد من المتبايعين المجلس مصطحبين

(۳) جعل الحائل الغليظ بين المتبايعين المانع من الاجتماع

(۴) مفارقة أحدهما صاحبه و لو بخطوة

(آزاد ۸۸)

۱۲۱- «و يسقط بمفارقة كل واحد منهما، صاحبه و لو بخطوة» إى يسقط

(۲) خيار المجلس فى البيع

(۱) خيار الغبن فى البيع

(۴) كل من الخيارات

(۳) خيار الحيوان فى البيع